

## نقش والدین در دروغگویی نوجوانان (۱)



آن چنان محکم ابراز عقیده می‌کند که گویی صحنه عینی و واقعی است.  
۲- **آرزو و رویا:** آرزو برای داشتن مالی، شیئی و یا هر چیز دیگری به همراه اشتیاق برای وصول و دستیابی به آن در جهان، تخیلات و گمان‌هایی را ایجاد می‌کند. استمرار چنین وضعیتی در روزهای اول غیر واقعی بودن خود را نشان می‌دهد. لیکن با مرور زمان شخص مجبور می‌شود که بر شدت آرزوها و تلقین‌هایی برای واقعی جلوه دادن این گونه امور بیفزاید.

۳- **بی‌اعتمادی:** هرگاه نوجوانی رازی را به مادرش به طور محرمانه بگوید، و از وی قول هم بگیرد که موضوع محرمانه بماند، لیکن بعدها ببیند پدرش با گوشه زدن موضوع را به رخش می‌کشد، اعتماد وی به مادرش سلب شده و تصمیم می‌گیرد که دیگر حقیقت را نگوید و گرایش به دروغگویی پیدا می‌کند.

۴- **ترس:** ترس از مجازات، آبرو و یا مورد بازخواست قرار گرفتن باعث می‌شود تا کودک و نوجوان از گفتن حقایق سرباز زند و گرایش به دروغگویی در آن‌ها شدت می‌یابد.

۵- **آزمایش والدین:** گاهی اتفاق می‌افتد که نوجوان می‌خواهد اولیای خود را محک بزند، لذا به دروغ، موضوعی را بیان می‌کند تا عکس‌العمل والدینش را مشاهده کند. چنانچه پدر و مادرش حرفی نزنند وی به مرادش رسیده است، لیکن چنانچه با واکنش شدید پدر و مادرش روبه رو شود، اظهار می‌دارد که شوخی کردم.

۶- **جلب توجه:** بعضی از نوجوانان که کمتر مورد توجه بزرگترها خصوصاً والدینشان قرار می‌گیرند، در اوقات مختلفی ممکن است حرفی را به دروغ بیان کنند که باعث تعجب و جلب نظرات دیگران شود، لیکن دیگران با چند پرسش از وی با رنگ پریدگی وی روبرو و متوجه دروغ گفتنش می‌شوند.

۷- **بدآموزی:** در این رابطه اولیا که خود به طور ناخودآگاه مرتکب دروغ گفتن هستند، سبب بدآموزی کودکان و نوجوانان و دیگر اعضای خانواده می‌شوند، مانند جمله معروف: "اگر با من کار داشتند بگو نیست" و یا مادری که پولی را گم می‌کند و از بچه تقاضا می‌کند که درباره‌ی این موضوع به پدر چیزی نگوید.

-۸

ادامه دارد .....

دروغگویی مانند سایر اختلال‌های روانی و عاطفی از مسائل کوچکی شروع می‌شود که ریشه‌ی آن را باید در خانواده جستجو کرد. چنانچه این اختلال به موقع شناسایی نشود، به یک بیماری روحی تبدیل می‌شود که مشکلات فراوانی برای آینده‌ی فرد به بار می‌آورد که علاوه بر خود شخص، به دیگران نیز آسیب می‌رساند. دروغگویی عامل اصلی فسادهای دیگر نیز می‌تواند باشد. به عبارت دیگر دروغگویی کلید ورود به فسادهای دیگر است که اکثر والدین از چنین وضعی شکایت دارند، زیرا دروغ را نیز مانند سایر انحرافات اخلاقی زشت می‌دانند.

دروغگویی کودکان و نوجوانان قبل از آنکه جدی باشد، ریشه در فریب و تظاهر دارد، چون کودکان و نوجوانان می‌خواهند با فرار از حقیقت به نوعی از خود دفاع کنند. مانند نوجوانی که در هنگام بازی توپش به شیشه می‌خورد، شیشه می‌شکند و از ترس تنبیه شدن به انحراف واقعیت می‌پردازد، و سعی می‌کند دیگران را مقصر کند. انگیزه این عمل برای نجات یافتن از تنبیه است. درباره کشف انگیزه دروغگویی، باید به دقت رفتار دروغ کودک و نوجوان اندیشید، ممکن است انگیزه خودنمایی، به دست آوردن چیزی، جلب نظر دیگران، نشان دادن قدرت و یا از روی ضعف باشد. دروغگویی در نوجوانان و جوانان ممکن است در اثر تقلید از بزرگسالان و تربیت غلط باشد، زیرا مشاهده‌ی دروغگویی از دوران کودکی در خانواده و اجتماع شکل گرفته است.

تعریف دروغگویی: دروغ عبارت است از یک عمل روانی - اجتماعی مانند تلفظ شفاهی یا غیر شفاهی که با آن فرد سعی می‌کند به طور کم و بیش عمدی ایمان نامشابه به آنچه که سازنده‌ی آن به حقیقتش مومن است در ذهن دیگران وارد کند.

**علل دروغگویی:** دروغگویی نوعی ناهنجاری است. شناخت علل و انگیزه دروغگویی در برخورد با آن بسیار مهم است. باید دید فرد به خاطر ترس است، یا به علت اعتماد به والدین و مربیان است که دروغ گفته است. شاید به خاطر جلب نظر و توجه بزرگترها نسبت به خود یا مسئله‌ای دروغ گفته است، لذا عواملی که باعث دروغ گفتن می‌شوند، عبارتند از:

۱- **تخیل:** چون تخیل در دوره‌ی کودکی و خصوصاً دوره‌ی نوجوانی قوی است، لذا

